

## «بہ نام خالق آرامش»

نام کتاب: ۸۰۰ واڑہ ضرور سزباخ انگلیسر (بفتر اول)

نام نویسندہ: روع اللہ یوسف رامندر

تعداد صفحات: ۲۲۱ صفحہ

تاریخ انتشار: سال ۱۴۰۰



کافیٹی بکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

In the name of God

870 English words

Assembler, Compiler and Interpreter:

ROHOLLAH YOUSEFI RAMANDI

09100429554

09383171534

1400/07/23

# Abhor

تنفر داشتن از، بیم داشتن از، ترس داشتن از،  
ترساندن، ترسیدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Abjure

سوگند شکستن، نقض عهد کردن، برای همیشه  
ترک گفتن، مرتد شدن، رافضی شدن

# Abortive

مسقط، رشد نکرده، عقیم، بی ثمر، بی نتیجه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Abound

فراوان بودن، زیاد بودن، وفور داشتن، تعیین  
حدود کردن، محدود کردن

# Abrogate

منسوخ، از میان برده، ملغی، از میان بردن، باطل  
کردن، منسوخ کردن، لغو کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Abstemious

مرتاض، ممسک در خورد و نوش و لذات،  
مخالف استعمال مشروبات الکلی. پرهیزکار،  
پارسا منش

# Absurd

پوچ، ناپسند، یاوه، مزخرف، بی معنی، نامعقول،  
عبث، مضحک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Access

دسترس، دسترسی، راه، تقریب، اجازه دخول،  
افزایش، الحاق، (پزشکی) بروزمرض، حمله،  
اصابت، (حقوق) دسترسی یا مجال مقاربت، (در  
مسیحیت) تقرب به خدا

# Accommodate

همساز، همساز کردن، جا دادن، منزل دادن، وفق  
دادن با، تطبیق نمودن، تصفیه کردن، اصلاح  
کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Accomplice

همدست، (حقوق) شریک یا معاون جرم

# Accost

مخاطب ساختن، مواجه شدن با، نزدیک شدن بهر  
منظوری، مشتری جلب کردن زنان بدکار در  
خیابان، نزدیک کشیدن، در امت داد چیزی  
حرکت کردن مثل کشتی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Acme

اوج، ذروه، قله، منتها(درجه)، سر، مرتفع ترين  
نقطه، (پزشكى) بحران، نقطه كمال

# Acrimonious

تند، زننده، سوزان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Acute

تیزرو، تیز، نوک تیز، (پزشکی) حاد، بحرانی،  
زیرک، تیز نظر، تند، شدید (موسیقی) تیز، زیر،  
(سلسله اعصاب) حساس، (هندسه) حاد، تیز

# Adamant

جسم جامد و سخت، مقاوم، یکدنده، تزلزل ناپذیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Adherent

بهم چسبیده، تابع، پیرو، هواخواه، طرفدار

# Admonish

نصیحت کردن، پند دادن، آگاه کردن، متنبه کردن، وعظ کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Adroit

زرنگ، زبر دست، زیرک، ماهر، چابک،  
چالاک، تردست، چیره دست

# Advent

ظهور و ورود ، چهار یکشنبه قبل از میلاد مسیح



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Adversary

دشمن، مخالف، رقیب، مدعی، متخاصم، ضد،  
حریف، مبارز، ہم آورد

# Adverse

مخالف، مغایر، ناسازگار، مضر، روبرو



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Advocate

دفاع کردن، طرفداری کردن، حامی، طرفدار،  
وکیل مدافع

# Aegis

سپر، پرتو، ظل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Affluent

فراوان، دولتمند

# Alacrity

چابكي، نشاط



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Allay

آرام کردن، از شدت چیزی کاستن

# Alleged

به قول معروف، بنا بر گفته بعضی، منتسب به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Alleviate

سبک کردن، آرام کردن، کم کردن

# Allude

اشاره کردن، اظهار کردن، مربوط بودن به ،  
گریز زدن به



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Aloof

دور، کناره گیر

# Altruistic

وابسته به نوع دوستی، بشر دوستانه، دگر  
دوستانه، همگان دوستانه، ایثار گرانه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Ambiguous

مبهم، (کلام) دوپهلو، چندپهلو، دارای دو یا چند  
معنی، گنگ

# Ameliorate

بہتر کردن، اصلاح کردن، چاره کردن، بہتر  
شدن، بہبودی یافتن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Amicable

موافق، دوست، دوستانه

# Amnesty

عفو عمومی، گذشت، عفو عمومی کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Amorous

عاشق، شیفته، عاشقانه

# Analogous

قیاس پذیر، قابل قیاس، هم‌سنگ، قابل سنجش،  
هم‌تراز، هم‌ارز، شبیه، همانند، نظیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Anathema

هر چیزی که مورد لعن واقع شود، لعنت و تکفیر،  
مرتدشناخته شده از طرف روحانیون

# Annals

تاریخچه، وقایع سالیانه، سالنامه، اخبار سال،  
برنامه سالیانه عشا ربانی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Anomaly

خلاف قاعده، غير متعارف، بي ترتيب

# Anthropologist

مردم شناس، انسان شناس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Antipathy

احساس مخالف، ناسازگاری، انزجار

# Antiquated

کهنه، منسوخ، متروک، قدیمی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Antithesis

پادگذاره، ضد و نقیض، تضاد، تناقض

# Apathy

بی حسی، بی عاطفگی، خون سردی، بی علاقگی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Appalled

ترساندن، وحشت زده شدن

# Arbiter

حکم، داوری کردن، قاضی، داور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Arbitrary

اختياري، دلخواه، مطلق، مستبدانه، قرار دادي

# Archaic

كهنه، قديمی، غير مصطلح



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Ardent

گرم، سوزان، تند و تیز

# Array

آرایه، آراستن، در صف آوردن، منظم کردن،  
صف، نظم، آرایش، رژه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Artifact

محصول مصنوعی، مصنوع

# Artifice

استادی، مهارت، هنر، اختراع، نیرنگ، تزویر،  
تصنع



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Artless

بی هنر، بی صنعت، ساده، بی تزویر، غیر  
صنعتی

# Ascend

فرازیدن، بالارفتن، صعود کردن، بلند شدن،  
جلوس کردن بر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Ascertain

معلوم کردن، ثابت کردن، معین کردن

# Ascetic

ریاضت کش، مرتاض، تارک دنیا، زاهد،  
زاهدانه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Asinine

خرصفت، (مجازاً) نادان، خر، ابله، احمق

# Asperity

خشونت (در صدا)، سختی، ترشی (در مزه)،  
تلخی و خشونت (در اخلاق)، نامطبوعی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Aspirant

جويا، طالب، داوطلب کار يا مقام، آرزومند،  
حروف حلقی

# Aspire

آرزو داشتن، آرزو کردن، اشتیاق داشتن، هوش  
داشت، بلند پروازی کردن، بالارفتن، فرو بردن،  
استنشاق کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Asset

چیز با ارزش و مفید، ممر عایدی، سرمایه،  
دارایی، جمع دارایی شخص که بایستی بابت  
دیون او پرداخت گردد

# Assiduous

دارای پشتکار، سعی، مواظب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Astute

زیرک، ناغلا، دانا، هوشیار، محیل، دقیق،  
موشکاف

# Atrophy

لاغری، ضعف بنیه، (گیاه شناسی) نقصان قوه  
نامیه، لاغر کردن، خشک شدن، لاغر شدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Attest

گواهی دادن ، شهادت دادن، سوگند یاد کردن،  
تصدیق امضا کردن

# Atypical

غیر معمولی، بیقاعده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Au courant

مد روز، مدرن، جدید، به روز

# Audacity

بی باکی، بی پروایی، جسارت، گستاخی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Augment

افزودن، زیاد کردن، علاوه کردن، زیاد شدن،  
تقویت کردن

# Austere

سخت، تند و تلخ، ریاضت کش، تیره رنگ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Avarice

زیاده جویی، از، حرص، طمع

# Aversion

بیزاری، نفرت، مخالفت، ناسازگاری، مغایرت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Avid

حریص، آزمند، مشتاق، آرزومند، متمایل

# Awesome

مایه هیبت یا حرمت، پر از ترس و بیم، حاکی از ترس، ناشی از بیم، وحشت آور، ترس آور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Bagatelle

چیز جزئی و اندک، (مجازاً) چیز بیهوده، ناقابل

# Balk

مرز، زمین شخم نشده، (مج) مانع، مایه لغزش،  
طرفه رفتن از، امتناع ورزیدن، رد کردن،  
زیرش زدن، باز ایستادن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Banal

پیش پا افتاده، مبتذل، معمولی، همه جایی

# Barometer

هواسنج، میزان هوا، فشار سنج



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Bedlam

تیمارستان، دیوانه، وابسته به دیوانه ها یا دیوانه خانه

# Begrudge

غرولند کردن، غبطه خوردن، مضایقه کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Belated

دیرشده، دیرتر از موقع، از موقع گذشته

# Belittle

کسی را کوچک کردن، تحقیر نمودن، کم ارزش کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Belligerent

متحارب، متخاصم، جنگجو، داخل در جنگ

# Benevolent

کریم، نیکخواه، خیر اندیش



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Bereft

مایوس، ناامید، غریب، تنها، بی کس، بی بهره

# Besmirch

لکه دار کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Bias

تمایل بیک طرف، طرفداری، تعصب، بیک طرف متمایل کردن، تحت تاثیر قرار دادن، تبعیض کردن

# Bigot

آدم ریاکار، آدم خرافاتی، متعصب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Bizarre

غریب و عجیب، غیر مانوس، ناشی از هوس،  
خیالی، وهمی

# Blasé

بیزار از عشرت در اثر افراط در خوشی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Blatant

پرسروصدا، شلوغ کننده، خودنما، خشن، رسوا

# Bliss

خوشی، سعادت، برکت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Blunt

کند، بی نوک، دارای لبه ضخیم، رک، بی پرده،  
کند کردن

# Bogus

ساختگی، جعلی، قلبی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Bona fide

باحسن نيت، جدی، واجد شرایط، صادقانه

# Brash

عجول و بي پروا، مته ور، گستاخ، بي حيا، بي شرم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Brigand

راهزن، یاغی

# Bristle

موی زبر، موی سیخ، موی خوک، سیخ شدن،  
رویه تجاوزکارانه داشتن، آماده جنگ شدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Buff

چرم گاومیش، چرم زرد خوابدار، ضربت، گاو  
وحشی، زرد نخودی، محکم، از چرم گاومیش،  
براق کردن، جلا، پوست انسان

# Bulwark

خاکریز، بارو، دیوار (ساحلی)، دیواره سد، موج  
شکن، (مجازاً) پناه، سنگربندی، حامی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Cache

نهانگاه، ذخیره گاه، چیز نهان شده، مخزن، پنهان کردن

# Cacophony

صدای ناهنجار و خشن، بدصدایی، بدآهنگی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Callous

پینه بسته، کبره بسته، بی عاطفی سنگدل،  
سنگدلانه

# Callow

جوجه ای که هنوز پر درنیآورده، شخص بی  
تجربه و ناشی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Calumny

بدنامی، رسوایی، بهتان ، افترا

# Canard

خبر دروغ، شایعات



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Candid

بی تزویر، منصفانه، صاف و ساده

# Candor

سفیدی، خلوص، صفا، رک گوئی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Cant

اصطلاحات مخصوص یک صنف یا دسته، زبان  
دزدها و کولی ها، طرز صحبت، زبان ویژه،  
مناجات، گوشه دار، وارونه کردن، باناله سخن  
گفتن، بالهجه مخصوصی صحبت کردن،  
خبرچینی کردن

# Capitulate

تسلیم شدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Capricious

هوس باز، دمدمی مزاج، بوالهوس

# Carnage

لاشه ها، کشتار، قتل عام، خونریزی، قصابی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Castigate

تنبيه کردن، شدیداً انتقاد کردن

# Catastrophic

اسف بار، مصیبت بار، بسیار بد، فاجعه آمیز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Celerity

جلدی، چابکی، سرعت

# Chagrin

آزردگی، غم و غصه، اندوه، الم، تنگدلی،  
اندوهگین کردن، از رده کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Charisma

عطيه الهى، جذبہ روحانى، گيرايى، گيرش، فرہ

# Charlatan

آدم حقه باز، شارلاتان، آدم زبان با



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Chicanery

حيله بازی، ضد و نقیض گویی، مغالطه

# Clandestine

مخفي، غير مشروع، زیر جلي



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Cliché

کلمه مبتذل

# Clique

دسته، گروه، محفل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Cogent

متقاعد کننده، دارای قدرت و زور

# Cognizant

آگاه، باخبر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Comely

خوبرو، خوش آیند، خوش منظر

# Commodious

جادار، بکار خور، مقرون به صرفه، سودمند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Compassion

رحم، دلسوزی، ترحم، شفقت، غمخواری

# Compatible

سازگار، موافق، دمساز، جور، همساز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Compensatory

جبران کننده ، پاداش دهنده ، توانی

# Complacent

از خود راضی، عشرت طلب، تن آسای خود  
خشنود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Complicity

همدستی در جرم، شرکت در جرم

# Components

محوطه، عرصه، حیاط، ترکیب، جسم مرکب،  
ترکیب کردن، آمیختن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Comprehensive

جامع، فرا گیرنده، وسیع، محیط، بسیط

# Concoct

درست کردن، جعل کردن، اختراع کردن، ترکیب  
کردن، پختن، گواریدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Concomitant

همراه، ملازم، پیوسته

# Concur

موافقت کردن، هم رای بودن، دمساز شدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Condescend

به طعنه به زیر دست لطف کردن، محبت کردن،  
بنده نوازی کردن، سر فرود آوردن، تمکین  
کردن، خود را همتراز مادون خود کردن از  
روی لطف، فروتنی کردن

# Condone

چشم پوشی کردن از، اغماض کردن، بخشیدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Conducive

موجب شونده، سودمند، مساعد، منجر شونده

# Confidant

رازدار، محرم اسرار، دمساز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Conflagration

آتش سوزی بزرگ، حریق مدھش

# Confront

روبرو شدن با، مواجهه دادن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Congenial

همخو، هم مشرب، دارای تجانس روحی، هم  
سلیقه

# Conjecture

حدس، ظن، گمان، تخمین، حدس زدن، گمان  
بردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Conjugal

نکاحی، ازدواجی

# Connoisseur

خبره



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Consternation

بهت، اشفتگی، حیرت، بهت و حیرت

# Constrict

تنگ کردن، جمع کردن، منقبض کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Construe

تفسیر کردن، تعبیر کردن، استنباط کردن

# Consummate

به پایان رساندن، انجام دادن، عروسی کردن، به  
وصال رسیدن، رسیده، تمام وکمال، به حد کمال



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Contemptuous

اهانت آمیز، مغرورانه، قابل تحقیر، تحقیر آمیز

# Contort

از شکل انداختن، کج کردن، پیچاندن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Controversial

مباحثه ای، جدلی، جدال آمیز، هم ستیز، هم  
ستیزگر، همستیزگرانه

# Copious

فراوان، مفصل، زیاد، خیلی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Corpulent

فربه، تنومند، گوشتالو، جسیم

# Corroborate

تایید کردن، تقویت کردن، اثبات کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Coterie

گروه هم مسلک، انجمن

# Countenance

سیما، قیافه، رخ، تشویق کردن، پشتیبانی کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Coup

برهم زدن، ضربت، کودتا

# Covet

چشم داشتن به، غبطه خوردن به، چشم طمع  
دوختن به، حرص زدن برای، طمع بستن  
در، پنهان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Crave

آرزو کردن، طلبیدن، اشتیاق داشتن

# Criterion

ملاک، میزان، مقیاس، معیار، نشان قطعی،  
محک، ضابطه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Cryptic

پنهان، مرموز، رمزی

# Culminate

به اوج رسیدن، بعد اکثر ارتفاع رسیدن، بعد  
اعلی رسیدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Culpable

مقصر، مجرم، سزاوار سرزنش، قابل مجازات

# Culprit

متهم، مقصر، آدم خطاکار یا مجرم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Cumbersome

سنگین، طاقت فرسا، مایه زحمت، بطی

# Cupidity

حرص واز برای بدست آوردن مال



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Curry

مالیدن، شانه یا قشو کردن، پرداخت کردن چرم،  
کاری، زردچوبه هندی

# Cursory

سرسری، از روی سرعت و عجله، با سرعت و بی  
دقتی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Cynic

بدبین و عیبجو پیرو مکتب کلبیون

# Dearth

کمیابی و گرانی، قحط و غلا، کمبود



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Debacle

افتضاح، سقوط ناگهانی حکومت و غیره،  
سرنگونی

# Debilitate

ناتوان کردن، ضعیف کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Debris

خرده، باقی مانده، آثار مخروبه، آشغال روی هم  
ریخته، آوار

# Decade

ده، عدد ده، دوره ده ساله، ده، دهدهی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Decadence

زوال، تنزل، انحطاط، فساد، آغاز ویرانی

# Decapitate

سراز تن جدا کردن، گردن زدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Declaim

سخنوری کردن، رجز خوانی کردن، با حرارت  
علیه کسی صحبت کردن، دکلمه کردن

# Decorum

ادب، آداب دانی، مناسبت، رفتار بجا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Decrepit

سالخورده و فرتوت، ضعیف و ناتوان، خیلی پیر

# Deem

پنداشتن، فرض کردن، خیال کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Defamatory

افترا آمیز

# Degrade

پست کردن، خفت دادن، تنزل رتبه دادن، منحط کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Deleterious

زیان آور، آسیب رسان

# Delineation

طرح، تصویر، تشریح، بازنمایی، توصیف



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Delude

سیل، طوفان، غرق کردن، طوفان ایجاد کردن

# Delve

حفر کردن زمین، سوراخ کردن، گودی، حفره،  
کاوش کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Demeanor

رفتار، سلوک، وضع، حرکت

# Demur

مشخص کردن، تفکیک کردن، علامت گذاردن،  
علامت بودن، معنی دادن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Depict

نمایش دادن (بوسیله نقشه و مانند آن)، نقش کردن، مجسم کردن، رسم کردن، شرح دادن

# Deplorable

مایه دلسوزی، رقت انگیز، اسفناک، زار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Deploy

گسترش، جبهه، گسترش یافتن، بحالت صف  
در آوردن، قراردادن قشون

# Deprecate

بد دانستن، قبیح دانستن، ناراضی بودن از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Deride

تمسخر کردن، بکسی خندیدن، استهزا کردن

# Derived

سرچشمه گرفته از ، (فایده، سود) به دست آوردن، نتیجه گرفتن، ناشی شدن از، کسب کردن، بردن، (نام، خصوصیات) گرفتن، اخذ کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Derogatory

موهن، مضر، زیان آور و مایه رسوایی، خفت  
آور

# Desist

باز ایستادن، دست برداشتن از، دست کشیدن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Destitution

بینوایی، بی چیزی، فقر، تهیدستی

# Desultory

بی قاعده، پرت، بی ترتیب، درهم و برهم، بی ربط



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Deter

بازداشتن، ترساندن، تحذیر کردن

# Detriment

گزند، زیان، ضرر، خسارت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Devout

دیندار، پارسا منش، مذهبی، عابد

# Dexterity

زبردستی، تردستی، سبکدستی، چابکی، چالاکی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Diatribes

سخن سخت، انتقاد تلخ، زخم زبان

# Diminutive

مصغر، خرد، کوچک، حقیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Discern

تشخیص دادن، تمیز دادن

# Disciple

پیرو، مرید، شاگرد، پسوا، پیرو حضرت عیسی،  
حواری



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Discreet

با احتیاط، دارای تمیز و بصیرت، باخرد

# Disdain

اهانت، استغنا، عار (دانی)، تحقیر، خوار شمردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Disgruntled

ناخشنود، ناراضی، غرغرو، غمگین کردن

# Disheveled

پریشان، ژولیده، آشفته، نامرتب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Dismantle

بی مصرف کردن، پیاده کردن (ماشین  
آلات) عاری از سلاح یا اثاثه کردن

# Disparate

ناجور، مختلف، نابرابر، نامساوی، غیرمتجانس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Disseminate

تخم کاشتن، منتشر کردن

# Dissent

اختلاف عقیده داشتن، جدا شدن، نفاق داشتن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Distraught

پریشان حواس، شوریده، ناراحت

# Diversity

تنوع، گوناگونی، تفاوت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Divulge

فاش کردن، افشا کردن، بروز دادن

# Docile

رام، سر بر اه، تعلیم بردار، مطیع



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Doddering

پیر، علیل، کودن

# Doleful

مغموم، محزون



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Domicile

اقامتگاه، محل اقامت، مقر، خانه، مسکن، مسکن  
دادن

# Dormant

خوابیده، ساکت، در حال کمون



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Dregs

باقي مانده، چيز پست وبي ارزش

# Drudgery

جان کنی ، کار پرزحمت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Dubious

مورد شك، مشكوك

# Dulcet

شیرین، ملیح، نوعی آلت موسیقی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Dupe

ادم گول خور، ساده لوح، گول زدن

# Duplicity

دورويي، دورنگي، تزوير، ريا، دولايي



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Duress

سختي، سفتي، محكمي، شدت، رفتار خشن وتند،  
اکراه، اجبار

# Edifice

عمارت، ساختمان بزرگ مانند کلیسا، قصر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Efficacy

اثر، تاثیر، سودمندی، درجه تاثیر

# Effigy

تمثال، صورت، پیکر، تمثال تهیه کردن، پیکرک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Effrontery

جسارت، گستاخی، بیشرمی، چیرگی

# Egotist

خودپرست



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Egregious

فاحش، بزرگ، برجسته، نمایان، انگشت نما

# Elapse

گذشتن، منقضي شدن، سپری شدن، سقوط



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Elicit

بیرون کشیدن، استخراج کردن، استنباط کردن

# Elucidate

روشن کردن، توضیح دادن، شفاف، روشن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Elusive

گريزان، فراري، كسي كه از ديگران دوري  
مي كند ، طفره زن

# Emaciated

لاغر، گوشت رفته



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Embellish

آرایش کردن، آرایش دادن، زینت دادن، زیبا کردن، پیراستن

# Eminent

برجسته، بلند، متعال، (مجازاً) بزرگ، والا مقام، هویدا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Emissary

مامور سری، فرستاده

# Emit

بیرون دادن، خارج کردن، بیرون ریختن، انتشار  
نور، منتشر کردن نور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Emulate

هم چشمی کردن با، رقابت کردن با، برابری  
جستن با، پهلو زدن

# Encumbrance

سربار، بار، اسباب زحمت، مانع، سد، بدهی،  
دین



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Engrossed

درشت نوشتن، جلب کردن، اشغال کردن،  
احتکار کردن، مشغول، مجذوب

# Enhance

بالا بردن، افزودن، زیاد کردن، بلند کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Enigma

معما، چيستان، لغز، رمز، بيان مبهم

# Ennui

بيازاري، دلتنكي، ملالت، خستكي



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Entourage

محيط، دور و بر اطرافيان، دوستان، همراهان

# Entreaty

التماس، استدعا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Enunciate

مژده دادن، اعلام كردن، صريحا گفتن، تلفظ  
كردن

# Epitome

خلاصه، مختصر، خلاصه رؤوس مطالب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Equanimity

متانت، خودداری، ملایمت، آرامی، قرار،  
قضاوت منصفانه، تعادل فکری، انصاف، عدالت

# Eradicate

از ریشه کردن، از بیخ کردن، از بیخ  
بر آوردن، خلاص شدن از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Erudite

فرجاد، آموزنده، عالم، دانشمند، متبحر،  
دانشمندانه

# Eruption

جوش، فوران، انفجار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Escalation

اجتناب کردن

# Eschews

ایست، توقف، انقطاع، پایان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Euphemism

حسن تعبیر، استعمال کلمه نیکو و مطلوبی برای  
موضوع یا کلمه نامطلوبی

# Evaluate

ارزیابی کردن، تقویم کردن، قیمت کردن،  
سنجیدن، چیزی را معین کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Evanescent

محو شونده، ناپایدار

# Evince

نشان دادن، معلوم کردن، ابراز داشتن، موجب  
شدن، برانگیختن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Exacerbate

بدتر کردن، تشدید کردن، برانگیختن

# Excoriate

تراشیدن، پوست چیزی را کندن، پوست کندن از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Excruciating

مشقت بار

# Exhort

سفارش کردن به، نصیحت کردن به، اصرار  
کردن به، تشویق کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Exonerate

تبرئه کردن، روسفید کردن، مبرا کردن، رفع اتهام

# Expatriate

از کشور خود راندن، تبعید کردن، ترک کردن  
میهن، تبعیدی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Expedient

مقتضی، مصلحت، مناسب، تهور آمیز

# Expedite

تسریع کردن در، پیش بردن، شتابان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Exploit

رفتار، کردار، عمل، کاربردجسته، شاهکار، بکار  
انداختن، استخراج کردن، استثمار کردن، استفاده  
کردن

# Expunge

محوکردن، تراشیدن، نابود کردن، حذف کردن از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Expurgate

تطهیر کردن، حذف کردن، تصفیه اخلاقی کردن

# Extant

موجود، دارای هستی، (قدیمی) پدیدار، باقی مانده، نسخه موجود و باقی از کتاب و غیره



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Extinct

معدوم، از بین رفته، منقرض، تمام شده، مرده،  
منسوخه، خاموش شده، نایاب

# Extol

بلندکردن، ارتقا دادن، اغراق گفتن، ستودن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Extortion

زیاده ستان، زیاد، اخاذ، گزاف

# Extraneous

خارجی، خارج از قلمرو چیزی، غیر اصلی،  
تصادفی، فرعی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Extrinsic

دارای مبدا خارجی، بیرونی، خارجی، فرعی،  
جزئی، ضمیمه، اتفاقی، تصادفی، عارضی

# Exult

جست و خیز کردن، به وجد و طرب آمدن، خوشی  
کردن، شادی کردن، وجد کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Exultation

شادمانی، سرور، خوشحالی، شادی، وجد

# Fabricate

ساختن، بافتن و از کار در آوردن، تقلید و جعل کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Façade

نمای هرچیز، ظاهر، صورت، رویه، برونداد،  
نمای ساختمان

# Facetious

شوخ، لوس، اهل شوخی بیجا



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Facile

آسان، به آسانی، به آسانی قابل اجرا، سهل  
الحصول

# Factitious

ساختگی، مصنوعی، صوری،  
غیرطبیعی، دروغی، وانمود کننده، بهانه کننده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fallacious

غلط، سفسطه آمیز

# Falter

گیرکردن، لکنت زبان پیدا کردن، با شبهه و تردید  
سخن گفتن، تزلزل یا لغزش پیدا کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fastidious

سخت گیر، باریک بین، مشکل پسند، بیزار

# Fatal

کشنده، مهلک



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fatuous

احمق، بيشعور

# Feasible

شدني، عملي، امكان پذير، ميسر، ممكن، محتمل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Feint

وانمود، نمایش دروغی، تظاهر، خدعه، فریب،  
(نظامی) حمله خدعه آمیز، وانمود کردن

# Felicitous

به موقع، بجا، درخور، به هنگام، شایسته،  
مناسب، سعادت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Felon

بز هكار، گناهكار، جاني، جنايت كار

# Ferment

ترش شدن، مخمر شدن، ور آمدن، (مجازاً)  
برانگيزاندين، تهيج كردن، ماده مايع، جوش،  
خروش، اضطراب، آشوب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Fervid

سوزان، مشتاق

# Fetish

طلسم، اشیا یا موجوداتی که به عقیده اقوام وحشی  
دارای روح بوده و مورد پرستش قرار می‌گرفتند،  
بت، صنم، خرافات



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fetter

بخو، پابند، زنجير، (مجازاً) قيد، مانع، مقيد  
کردن، درزير غل و زنجير آوردن

# Fiasco

شکست مفتضحانه، ناکامي، بطري شراب



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fiat

حکم، امر، اجازه، رخصت، حکمی، امری

# Flabbergasted

مبهوت کردن، گیج کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Flagrant

آشکار، برملا، انگشت نما، رسوا، وقیح، زشت

# Flamboyant

شعله دار، زرق و برق دار، وابسته به مکتب  
معماری گوتیگ، شعله مانند



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Flay

پوست کندن از، سخت انتقاد کردن

# Fledgling

جوجه تازه پر و بال درآورده، نوچه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Flout

دست انداختن، استهزا کردن، اهانت یا بی  
احترامی کردن، مسخره، توهین

# Fluctuate

نوسان داشتن، روی امواج بالا و پایین رفتن، ثابت  
نبودن، موج زدن، بی ثبات بودن، بالا و پایین  
رفتن، نوسان کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Foist

جا زدن، چیزی را بجای دیگری جا زدن، جیب  
بری کردن، بقالب زدن چیز قلبی

# Foment

برانگیختن، پروردن، تحریک کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Forthwith

انا، فوراً، بيدرننگ

# Fortuitous

اتفاقی، شانسی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Fracas

قیل وقال، مزاحمت، زد و خورد، بلوا

# Frail

نازک، سست، نحیف، شکننده، زودگذر، سست  
در برابر وسوسه شیطانی، گول خور، بی مایه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fraught

پر، مملو، دارا، همراه، ملازم، بار شده، بار،  
کرایه، بار کردن

# Fray

ترساندن، هراساندن، نبرد، جنگ، پیکار،  
مبارزه، رقابت، دعوا، نزاع، جر و بحث،  
مشاجره



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Frenetic

دیوانه، شوریده، بی امان، عنان گسیخته

# Frenzy

دیوانه کردن، شوریده کردن، آشفتن، دیوانگی  
آنی، شوریدگی، هیجان



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fretful

اخمو، ناراحت، جوشي

# Frugal

صرفه جو، مقتصد، با صرفه، اندک، ميانه رو،  
ساده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Fruitless

بي ميوه، بي ثمر

# Fulsome

فراوان، مفصل، فربه، شھوانی، تهوع اور،  
زننده، اغراق آمیز، غلیظ، زیاد، زشت، پلید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Furtive

دزدكي، زير جلي، پنهان، نهاني، مخفي، رمزي

# Futility

كار بيهوده، حرف پوچ، بي فايديگي، باطل بودن،  
كار عبث



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Galvanize

با برق آب طلا یا نقره دادن به، آب فلزی دادن،  
آبکاری فلزی کردن

# Gamut

هنگام، گام، حدود، حیطة، وسعت، رسایی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Garbled

آشفته، درهم

# Garrulous

پر حرف



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Gaudy

زرق و برق دار، نمایش دار، پر زرق و برق،  
جلف، لوس، روزشادی

# Gaunt

لاغر، نحیف، بدقیافه، زنده، بی ثمر،  
لاغرکردن، زنده ساختن، ویران کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Genocide

کشتار دسته جمعی، قتل عام

# Genre

نوع، قسم، جور، طبقه، دسته، راسته، جنس،  
طرز، طریقه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Germane

وابسته، مربوط، منتسب، خویش و قوم

# Gesticulate

با سر و دست اشاره کردن، ضمن صحبت  
اشارات سر و دستکار بردن، باژست فهماندن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Gist

جان کلام، ملخص، لب کلام، نکته مهم، مطلب  
عمده، مراد

# Glean

خوشه چینی کردن، این سو آن سو جمع کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Glib

روان، سلیس، چرب زبان، زبان دار، لیز، لاقید

# Gratuity

پاداش، انعام، التفات، سپاسگزاری، رایگانی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Gregarious

گروده دوست، جمعیت دوست، گروه جو،  
گروهی، اجتماعی دسته ای، گلهای، (گیاه  
شناسی) خوشه خوشه

# Grimace

ادا و اصول، شکلک، دهن کجی، نگاه ریایی،  
تظاهر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Grotesque

غریب و عجیب، بی تناسب، مضحک، تناقض  
دار

# Guise

ظاهر، ماسک، تغییر قیافه، لباس مبدل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Gullible

گول خور

# Gusto

ذوق، درک، احساس، مزه، طعم، لذت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Habitat

محل سکونت، مسکن طبیعی، بوم، جای اصلی

# Halcyon

مرغ افسانه ای که دریا را آرام می کند ، ایام  
خوب گذشته، روز آرام



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Hapless

بيچاره

# Harass

بستوه اوردن، عاجز كردن، اذيت كردن،  
(نظامي) حملات پيدريپي كردن، خسته كردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Harbinger

پیشرو، منادی، جلودار، قاصد

# Haven

بندرگاه، لنگرگاه، (م.ج.) پناهگاه، جای امن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Havoc

خرابی، غارت، ویران کردن

# Heinous

زشت، شنیع، شریر، ظالم، فجیح، تاجر اور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Heresy

كفر، ارتداد، الحاد، بدعتكاري، فرقه، مسلک  
خاص

# Heterogeneous

ناجور، ناهمگن، غير متجانس، متباين



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Hirsute

پرمو، مویی، پشمالو

# Histrionics

نمایش، اجرا نمایش، ظاهر سازی، صحنه سازی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Hoard

اندوخته، ذخیره، احتکار، ذخیره کردن  
،احتکار کردن، انباشتن، گنج

# Hoax

شوخی فریب آمیز، گول زدن، دست انداختن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Homogeneous

مقاربت کننده باهم جنس خود، متوافق، هم جنس،  
یکجور، مشابه

# Hostile

ناسازگار، خشن، عصبانی، عداوت، عملیات  
خصمانه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Humility

فروتنی، افتادگی، تواضع، حقارت، تحقیر

# Hyperbole

مبالغه، اغراق، گزاف گویی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Iconoclast

بت شکن

# Idyllic

چکامه ای ، قصیده ای ، تشریحی، روستایی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Ignominious

رسوا، مفتضح، موجب رسوایی، ننگ آور

# Ilk

تیره، خانواده، نوع، جور، گونه، دسته، طبقه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Imbibe

نوشیدن، اشباع کردن، جذب کردن، خیساندن،  
تحلیل بردن، فرو بردن، در کشیدن

# Imminent

قریب الوقوع، حتمي



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Impeccable

بی عیب و نقص

# Impede

بازداشتن، مانع شدن، ممانعت کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Imperative

امری، دستوری، حتمی، الزام آور، ضروری

# Imperceptible

دیدہ نشدنی، غیر قابل مشاہدہ، جزئی، غیر محسوس، تدریجی، نفہمیدنی، درک نکردنی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Imperturbable

تزلزل ناپذیر، آرام، خونسرد، ساکت

# Impetuous

بی پروا، تند و شدید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Impious

ناپرهيزكار، بي دين، خدا نشناس، كافر، بد كيش

# Implacable

سنگدل، كينه توز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Importune

مصرانه خواستن، اصرار کردن به، عاجز کردن، سماجت کردن، ابرام کردن، مصرانه

# Impresario

مدیر اماکن تفریحی و نمایشی، مدیر اپرا، مدیر یاراهنمائی اپرا و کنسرت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Impromptu

بالبداهه، بداهتا، بی مطالعه، تصنیف، کاری که  
بیمطالعه و بمقتضای وقت انجام دهند، بالبداهه  
حرف زدن

# Imprudent

بی احتیاط، بی تدبیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Impunity

خشودگي، معافيت از مجازات، معافيت از زيان

# Inane

تهی، بی مغز، پوچ، چرند، فضاي نامحدود،  
احمق



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inanimate

روح دادن، انگیختن، بیجان، غیر ذیروح

# Inchoate

آغاز کردن، بنیاد نهادن، تازه بوجود آمده، نیمه  
تمام



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Incipient

نخستین، بدوی، اولیه، مرحله ابتدایی

# Incisive

برنده، قاطع، دندان پیشین، ثنایا، تیز، نافذ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inclement

شدید، بی اعتدال

# Incoherent

متناقض، بی ربط



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Incongruous

نامتجانس

# Incontrovertible

غير قابل بحث، بدون مناقشه، بي چونو چرا،  
بدون مباحثه، مسلم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Incredulous

دیر باور

# Incumbent

متصدی، ناگزیر، لازم



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Indict

عليه کسی ادعا نامه تنظیم کردن، اعلام جرم  
کردن، متهم کردن، تعقیب قانونی کردن

# Indigenous

بومی، طبیعی، ذاتی، مکنون، فطری



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Indigent

تهیدست، تهی، خالی، تنگدست

# Indiscriminate

ناشی از عدم تبعیض، خالی از تبعیض، یکسره



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Indoctrinate

آموختن، تلقین کردن، آغشتن، اشباع کردن، تعالیم  
مذهبی یا حزبی را آموختن به

# Indolent

سست، تنبل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inebriated

مست

# Ineffectual

بيهوده، بي نتیجه، بي اثر، غير موثر، بي فايده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inert

نا کار، فاقد نیروی جنبش، بیروح، بیجان، ساکن،  
راکد

# Inevitable

ناچار، ناگزیر، اجتناب ناپذیر، چاره ناپذیر، غیر  
قابل امتناع، حتما، حتمی الوقوع، بدیهی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inexorable

نرم نشدني، سخت، سنگدل، بي شفقت، تسليم  
نشدني

# Infallible

لغزش ناپذير، مصون از خطا، منزه از گناه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Infamous

رسوا، بد نام، مفتضح، پست، نفرت انگیز شنيع،  
رسواى ياور، ننگين، بدنام

# Infraction

نقش، تخلف، شكستن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Ingratiate

خود شیرینی کردن، مورد لطف و عنایت قرار دادن، طرف توجه قرار دادن، ارضا کردن، داخل کردن

# Inherent

ذاتی، اصلی، چسبنده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Iniquity

بی انصافی، شرارت

# Initiate

ابتکار کردن، وارد کردن، تازه وارد کردن، آغاز کردن، بنیاد نهادن، نخستین قدم را برداشتن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Innate

درون زاد، ذاتی، فطری، جبلی، مادر زاد،  
طبیعی، لاینفک، اصلی، داخلی، درونی، چسبنده،  
غریزی

# Innocuous

بی ضرر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inordinate

بی اندازه، بیش از حد، مفرط، غیر معتدل

# Insatiable

سیر نشدنی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Insidious

پراز توطئه، موزی، دسیسه آمیز، خائنانه

# Integral

درست، صحیح، بی کسر، کامل، تمام، انتگرال



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Interloper

کسی که در کار دیگران مداخله می‌کند و ایشان را از سود بردن باز می‌دارد، مزاحم

# Interminable

پایان ناپذیر، تمام نشدنی، بسیار دراز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Internecine

کشتار یکدیگر، کشتار متقابل، قاتل

# Interrogate

استنطاق کردن، تحقیق کردن، باز جویی کردن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Intimidate

ترساندن، مرعوب کردن، تشر زدن به، نهیب  
زدن به

# Intrepid

با جرات، دلیر، شجاع، بی باک، بی ترس، مته  
ور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Intrinsic

ذاتی، اصلی، باطنی، طبیعی، ذهنی، روحی،  
حقیقی، مرتب، شایسته

# Introspective

معاینه کننده درون خود، خویشتن نگر، ناشی از  
خویشتن نگری یا معاینه نفس



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



# Invalidate

ناتوان کردن، علیل کردن، باطل کردن

# Invective

پرخاش، سخن حمله آمیز، طعن، ناسزا گویی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inveigh

سخن سخت گفتن، با سخن حمله کردن

# Inveterate

دیرنه، ریشه کرده، معتاد، سر سخت، کینه آمیز



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Inviolable

مصون، مقدس، غضب نکردنی

# Irascible

زود خشم، اتشی مزاج، زود غضب، تند طبع،  
سودایی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Irate

خشمگین، خشمناک

# Irrational

غیر عقلانی، نامعقول، غیر منطقی، بی معنی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Irrelevant

نا مربوط، بی ربط

# Itinerant

سیار، دوره گرد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

# Jaunty

خود نما، خود ساز، جلف، مغرور، گستاخ، لاقید،  
زرنگ

# Jeopardize

به خطر انداختن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly